



## تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام مرتضی اسدیان	جلسه	۴۵	تاریخ	۱۴۰۰/۱۰/۰۶
عنوان اصلی درس	نماز مسافر				

### الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

بحث ما در فروع مسأله قاصد مسافتی بود که در میانه راه از قصد خود منصرف شود، فروعی را بیان نمودیم بحث امروز ما در فرع پنجم است.

**فرع پنجم این است که:** کسی که به قصد مسافت از وطن خارج می شود لکن از آغاز قصد دارد که در وسط راه در مکانی قبل از بلوغ مسافت قصد اقامت ده روز کند یا از وطن خود عبور می کند؛ حکم این شخص چگونه است؟ برمبنای آنچه گفتیم اجمالاً معلوم است که حکم او تمام است زیرا هنوز طی مسافت هشت فرسخ برای او حاصل نشده است و گفته شد که به جهت وجوب تقصیر باید هم قطع مسافت باشد و هم قصد مسافت و این شخص قصد دارد اما قطع مسافت ننموده است.

### فروض متعدده فرع پنجم

**فرض اول:** از وطن که خارج شد به قصد مسافت از ابتدا قصد او این باشد که در محلی که وطن اوست چند روزی بماند و مسافت از محل خروج تا وطن دوم او هشت فرسخ نیست در واقع این شخص قصد مسافت نکرده اصلاً زیرا قصد استقرار در وطن دوم دارد؛ پس يجب علیه التمام.

دلیل این حکم نیز روایات بسیاری است بالخصوص مؤثقه عمار که در گذشته به آن پرداختیم که در آن آمده بود:

«... حَتَّى يَسِيرَ مِنْ مَنْزِلِهِ أَوْ قَرْبَتِهِ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخَ فَلْيُتِمَّ الصَّلَاةَ»<sup>۱</sup>؛

تا کسی از منزل خود به هشت فرسخی نرسد حکم او حکم تقصیر نیست و حکم اش تمام خواهد بود. همچنین روایت دیگر روایت اسحاق بن عمار هم مؤید این مطلب است که آمده بود:

«...وَإِنْ كَانُوا سَارُوا أَقَلَّ مِنْ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخَ، فَلْيُتِمُّوا الصَّلَاةَ...»<sup>۲</sup>؛

این شخص هم در یک فرض سیر اقل من اربعة فراسخ کرده بود و آنجایی که قرار بود بماند مسافت نبود. گفتیم تکلیف در اینجا تمام است و روایات بسیاری بر این مطلب دلالت دارند.

۱. وسائل الشیعة؛ ابواب صلاة المسافرين، باب ۴، ح ۳.

۲. کافی؛ ج ۶، ص ۴۹۹.

**فرض دوم:** از وطن خود خارج می شود و با قصد مسافت خارج می شود لکن در وسط وسیر قصد اقامت ده روز می کند باز هم همان حکم درباره این شخص جاری است زیرا وقتی قصد اقامت نمود در میانه راه این شخص به هشت فرسخی سفر نکرده است اگرچه قصد داشته اما سفر به هشت فرسخ محقق نشده است نه ذهاباً و نه ایاباً؛ بنابراین وظیفه او تمام است.

اصل این مطلب که وظیفه او تمام است جای بحثی ندارد زیرا سبب تقصیر در حق او حاصل نشده.

### اما سؤال این است که این عدم وجوب تقصیر بر او، تخصّصاً هست یا تخصیصاً؟

اگر بگوییم این شخص اصلاً در حکم شرع مسافر محسوب نمی شود نه اینکه مسافر است ولی تقصیر بر او واجب نیست. در صورت اول شارع عنوان مسافر را از او گرفته است اگر چه عرفاً مسافر است در این صورت خروج از حکم تقصیر خروج موضوعی است و لذا تقصیر بر او واجب نیست زیرا شارع عنوان مسافر را از او سلب نموده است و لذا خروج او خروج تخصیصی است؛ و عبارت «حَتَّى يَسِيرَ مِنْ مَنَزِلِهِ أَوْ قَرَّتِهِ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخَ فَلْيَتِمَّ الصَّلَاةُ» اشاره به همین مطلب دارد. این مسأله احتیاج به این دارد که اثبات شود شارع در عنوان مسافر تصرف نموده و از این شخص سلب نموده است آن وقت خروج موضوعی خواهد بود.

اما اگر گفته شود مقصود شارع از مسافر همان مسافر عرفی است لذا این شخص هم مسافر است و تنها حکم سفر از او برداشته شده است در این صورت خروج تخصیصی خواهد بود.

این بحث به این دلیل در اینجا مطرح است که روایاتی آمده است درباره کسی که به مکه می رود و گاهی ده روز یا دو هفته قبل از افعال حج و عرفه و... روایتی وارد شده درباره چنین اشخاصی که به مکه رفته و قصد اقامت ده روز می کنند روایت آمده اینها اگر بعد ده روز برای انجام اعمال منا و وقوف در عرفات و مشعر و... و بعد دوباره می روند مکه و بعد می خواهند برگردند منا؛ که اعمال منا را انجام دهند از رمی حجرات و... در این میان که وقوف در منا می کنند که در شب باید بیتوته کنند برخی ها روزشان را به مکه می روند تا برخی از اعمال آنجا را انجام دهند می آیند اعمال را چند ساعته انجام می دهند و باز برمی گردند منا؛ روایت می فرماید که این شخص در مکه نماز خود را باید تمام می خواند و حکم او حکم خود اهل مکه است؛ حضرت علیه السلام می فرماید این کسی که قصد ده روز نموده است قبل از اینکه به عرفات برسد حالا بعد از عرفات می خواهد به سری به مکه بزند و برگردد بعدش به منا رفت و برگشت، نماز او تمام است چون به منزله اهل مکه است این به این معناست که در این روایات مسافری که از این قبیل است شارع به منزله مقیم یعنی کسی که در وطن خود است قرار می دهد به این معنا که آن قصد ده روز ماندن در مکه او را از مسافر بودن خارج می کند و مثل کسی می ماند که مکه وطن او باشد.

متن روایت این است که:

«وَيَسْتَأْذِنُهُ عَنْ حِمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَدِمَ قَبْلَ التَّروِيَةِ بِعَشْرَةِ أَيَّامٍ وَجَبَ عَلَيْهِ إِتِمَامُ الصَّلَاةِ وَهُوَ بِمَنْزِلَةِ أَهْلِ مَكَّةَ - فَإِذَا خَرَجَ إِلَى مَنًى وَجَبَ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ فَإِذَا زَارَ الْبَيْتَ أَتَمَّ الصَّلَاةَ وَ عَلَيْهِ إِتِمَامُ الصَّلَاةِ إِذَا رَجَعَ إِلَى مَنًى حَتَّى يَنْفِرَ»؛

«مَنْ قَدِمَ قَبْلَ التَّروِيَةِ» یعنی کسی که به مکه بیاید قبل از یوم الترویة این شخص تا یوم الترویة که خارج نمی شود لذا قصد دهه دارد و باید نماز را در مکه تمام بخواند و بعد می فرمایند که این شخص به منزله کسی است که مکه وطن اوست در این صورت اگر از مکه به مسافت شرعی رفت و بعد برگشت به مکه و لو چند ساعت در مکه بماند باید نماز خود را تمام بخواند اما اگر مسافر باشد ده روز که قصد اقامه داشت و بعد که به عرفات رفت و مکه هم که وطن او نیست و اگر به مکه برگشت قاعدتاً باید نماز را قصر بخواند اما حضرت می فرماید اگر رفت منا و بعد هم عرفات بر او تقصیر واجب است زیرا به منا می رود تا بعد از آن به عرفات برود یعنی مقصد حقیقی او عرفات است در این صورت چون مسافر است يجب علیه التقصیر اما بحث اینجاست که می فرمایند اگر بعد از عرفات و بعد از یوم عرفه و انجام رمی جمره کبری و نحر و ذبح و... حالا می خواهد به مکه برگردد برای سایر اعمال حج خود می فرمایند «فَإِذَا زَارَ الْبَيْتَ أَتَمَّ الصَّلَاةَ» و در ادامه می فرماید مکه که آمد نماز او تمام است و اگر به منا هم برگردد نماز او تمام است در نوبت قبلی که در منا بود نماز او شکسته بود چون از عرفات باز می گشت از مکه تا عرفات مسافت است اما حالا که سر زده به مکه و بعد می خواهد به منا برود نماز او تمام است زیرا کاملاً این شخصی را که قصد اقامه ده روز در مکه کرده را در حکم کسی قرار داده که وطن او مکه است. این روایت صریح در این است که کسی که ده روز در مکه اقامت کرده؛ مکه برای او در حکم وطن می شود و عنوان سفر از او سلب می شود معنای این عبارت این است که ما یا مسافر داریم یا حاضر؛ و کسی که قصد اقامت ده روز می کند دیگر مسافر نیست و در حکم حاضر است، یعنی مثل شخصی است که در وطن خود است. و این روایت منشأ این بحث شده که:

**کسی که قصد اقامت می کند در جایی آیا آن مکان وطن او می شود و عنوان مسافر سلب می شود و یا نه صرفاً حکم مسافر که وجوب تقصیر است از او سلب می شود؟**

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ